

Factors Affecting the Structure of Criminal Policy with a Differential Approach to the Crimes of the Armed Forces

Abstract

Background and purpose: The purpose of this study is to investigate the factors affecting the structure of criminal policy with a differential approach to the crimes of the armed forces.

Materials and methods: The research method in this research is descriptive-analytical through library studies, including books, articles and researches that are related to the subject and in line with the research objectives.

Ethical considerations: In this research, the authenticity of the texts, honesty and trustworthiness have been respected.

Findings: In the criminal policy adopted by the legislator for the crimes of the armed forces, mainly due to the importance of the structure of the armed forces and also the effect of crimes in the mentioned area on the society, factors such as the speed of investigation, the severity of the punishment are considered among the important components. As in some military crimes, the level of the legislator's dealings with the criminals is very severe.

Conclusion: In Iran's penal system, in the field of military legislation, no special role is given to a specialized legislator, otherwise there should be no major changes in the law in such a short period of time considering the conditions governing the armed forces and the clarity of all dimensions and description of their duties.

Keywords: Criminal Policy, Factors and Components, Armed Forces, Substantive Approach.

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۱، صص ۳۶۶۱-۳۶۴۳

عوامل موثر بر ساختار سیاست کیفری با رویکرد افتراقی نسبت به جرائم نیروهای مسلح

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱

یاسر شاکری^۱

علیرضا صالحی^۲

غلامحسین رضایی^۳

چکیده

زمینه و هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر بر ساختار سیاست کیفری با رویکرد افتراقی نسبت به جرائم نیروهای مسلح می‌باشد.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای اعم از کتب، مقالات و پژوهش‌هایی است که مرتبط با موضوع بوده و در راستای اهداف پژوهش بوده‌اند. **ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در سیاست کیفری اقتباس شده از سوی قانونگذار در جرائم نیروهای مسلح، اصولاً به جهت اهمیت ساختار نیروهای مسلح و همچنین اثر جرائم در حوزه مذکور بر جامعه، عواملی از قبیل سرعت در رسیدگی، شدت مجازات از جمله مولفه‌های مهم محسوب می‌گردند، به نحوی که در برخی از جرائم صورت گرفته خاص نظامی، میزان برخورد قانونگذار با مجرمین، به مراتب شدید می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در نظام کیفری ایران در حوزه قانونگذاری نظامی، به قانونگذار تخصصی و قوی داده نمی‌شود و گرنه نباید با توجه به شرایط حاکم بر نیروهای مسلح و مشخص بودن تمامی ابعاد و شرح وظایف آن‌ها، در چنین مدتی کوتاهی تغییرات بزرگی در قانون ایجاد گردد.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، عوامل و مؤلفه‌ها، نیروهای مسلح، رویکرد افتراقی.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۳ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

مقدمه

نیروهای مسلح در هر کشور نمادی از قدرت در مقابل دشمنان و برقراری امنیت برای مردم آن کشور محسوب می‌گردند. برابر بند چهارم^۱ اصل یک صد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فرماندهی نیروهای مسلح ایران بر عهده رهبری نظام می‌باشد. همه نیروهای مذکور، تحت امر «فرماندهی کل قوا»^۲ و «ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران»^۳ می‌باشند.

طبیعی است که سازمان‌های نظامی به دلیل مسئولیت‌های خطرناک و توأم با مسئولیت‌های سنگین، موظف‌اند برای نگهداری اعضای خود شرایط مناسبی ایجاد کنند، در غیر این صورت در تحقق اهداف خود موفق نخواهند شد. این شرایط بسیار متنوع است، از جمله می‌توان به انضباط و نظم گروهی، تمرکز فرماندهی، روحیه همبستگی و احساس یکپارچگی، تعلق گروهی میان افراد سازمان، رابطه سلسله‌مراتبی، سلامت روحی و جسمی کارکنان و سلامت محیط اشاره کرد (ازغندی، ۱۳۹۲، ۱۸). یکی از لوازم سهل الوصول بودن اهداف و مأموریت‌های فوق، سلامت محیط و عاری بودن از جرم است. از سوی دیگر، پدیدار شدن بزه در محیط‌های نظامی نه تنها نظم و انضباط سازمانی را مختل می‌کند، بلکه موجبات تضعیف روحیه افراد شده و توجه فرماندهان و مسئولین را از پرداختن به مأموریت‌های اصلی کمرنگ می‌نماید و نیروهای مسلح را با چالش مواجه می‌کند. علاوه بر این، با ایجاد آثار تربیتی نامناسب در کارکنان و سربازان وظیفه، افرادی تحویل جامعه داده خواهد شد که ضمن نامیدی به آینده، به نیروهای مسلح و نظام جمهوری اسلامی بدبین خواهند شد و تبعات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت (تشکری پور و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۷).

قانونگذاری در حوزه جرائم نیروهای مسلح، در تمام کشورهای از ویژگی خاصی برخوردار است، زیرا نیروهای مسلح دارای وظایف مشخص و معینی بوده و برخی از عملکردهای آن در ارتباط مستقیم با امنیت داخلی و خارجی کشور می‌باشد. بنابراین تبیین قانونگذاری و جرم‌انگاری در این حوزه، علاوه بر آن که

۱- اصل یکصد و دهم: وظایف و اختیارات رهبر: ۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح.

۲- فرمانده کل قوا (commander-in-chief) یا (supreme commander) عنوانی رسمی برای فردی است، که فرماندهی و کنترل نیروهای مسلح هر کشور را بر عهده دارد. این مقام در اغلب کشورهای جهان (همچون ایالات متحده آمریکا) در اختیار رئیس‌جمهور و در برخی کشورها در اختیار رئیس‌کشور یا رئیس‌حکومت قرار دارد. پیش از وقوع انقلاب اسلامی در ایران از آن به عنوان بزرگ‌ارشدتاران یاد می‌شده است. بزرگ‌ارشدتاران عنوانی رسمی و نظامی بوده است که در دوره پهلوی برای مقام فرماندهی سه نیروی مسلح کشور ایران به کار می‌رفت. فرماندهی این سه نیرو در آن دوره بر عهده محمدرضا شاه پهلوی بود. در ایران، مطابق قانون اساسی فرماندهی کل نیروهای مسلح، بر عهده مقام معظم رهبری می‌باشد. مقام معظم رهبری در ایران به عنوان فرمانده کل قوا، مسئولیت فرماندهی نیروهای مسلح در زمان جنگ را بر عهده خواهد داشت، همچنین عزل و نصب فرماندهان عالی را نیز بر عهده دارد.

۳- ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عالی‌ترین نهاد نظامی در مجموعه نیروهای مسلح ایران است، که مسئولیت هماهنگی میان نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همچنین فرماندهی انتظامی و نیز وزارت دفاع را بر عهده دارد.

تخصیص‌های مربوط به خود را می‌طلبد، مجازات‌های تعیین شده برای آن نیز، از ظرافت‌های خاص برخوردار است (شاکری و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۱۲). دادرسی نظامی، یکی از دادرسی‌های اختصاصی چهارگانه در نظام حقوقی ایران می‌باشد که در مقایسه با سایر دادرسی‌های افتراقی از پیشینه و سابقه بیشتری برخوردار بوده و یکی از نمونه‌های بارز دادرسی افتراقی در نظام حقوقی ایران و سایر کشورهای جهان می‌باشد. به جرأت می‌توان ادعا نمود که اولین مصداقی که از عنوان دادرسی اختصاصی یا افتراقی در ذهن پدیدار می‌گردد، دادرسی نظامی بوده و بقیه در رده‌های بعدی این عنوان قرار می‌گیرند. اهمیت شناخت دادرسی نظامی را می‌توان تابع اهمیت اصول، تشکیلات، آرمان‌ها و اهداف نیروهای مسلح دانست که به عنوان رکن هر کشور و حافظ امنیت و آسایش مردم فعالیت می‌نمایند؛ دادرسی نظامی را می‌توان به عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مصادیق دادرسی افتراقی در نظام حقوقی ایران و سایر کشورها برشمرد. گستردگی افراد تحت‌الشمول و همچنین قدرت و نفوذ بالای افراد نظامی در هر کشوری به عنوان یکی از ارکان اصلی آن، می‌تواند به مراجع قضایی نظامی قدرت بیشتری را نسبت به سایر مراجع بدهد که این امر جایگاه والای این مراجع را در میان سایر نهادهای قضایی نشان می‌دهد (عطاریا و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۰۶).

سیاست کیفری افتراقی به دنبال آن است تا با ایجاد چهارچوبی لازم، قواعدی بر شناخت عمل مجرمانه حاکم نماید، که در مجازات آن، قانونگذار توجهی به علل و عوامل ایجاد جرم ننموده و به عبارتی مرزی بین انحراف و بزه ایجاد نمی‌نماید، به عبارت دیگر، در سیاست کیفری برخلاف سیاست جنائی، قانونگذار با بخش سرکوب نمودن جرم با استفاده از ابزارهای مجازات‌کننده در ارتباط است. اما با این وصف، در تبیین سیاست کیفری افتراقی که مربوط به گروه و قشر خاصی می‌باشد (مانند جرائم نظامی) عواملی وجود دارند که در تبیین ماهوی جرایم در این حوزه می‌توانند نقش موثری را ایفا نمایند، هرچند که امکان دارد این عوامل به عنوان وجوه مشترک با سیاست جنائی نیز محسوب گردند. اما با این وصف می‌تواند از عوامل موثر در این حوزه به شمار آیند.

روش تحقیق

انتخاب روش تحقیق مناسب، به هدف‌ها، ماهیت و موضوع تحقیق و امکانات انجام تحقیق بستگی دارد و هدف از تحقیق دسترسی دقیق و آسان به پاسخ پرسش‌های تحقیق می‌باشد (خاکی، ۱۳۹۱، ۱۴۲). مقاله حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات به روش اسنادی از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

عنوان	نویسنده	سال نشر	نتیجه
کیفیات مشخصه عام و خاص در حوزه جرائم نیروهای مسلح در	امیرحسین غلامحسین رضایی	۱۳۹۹	آیین‌ها و روش‌های اعمال کیفیات مشخصه در حقوق ایران و آمریکا متفاوت بوده به عنوان مثال در حقوق ایران در احوال

سیاست کیفری ایران	و دکتر م. مصطفی فروتن		کیفیات م. شدد یکی از روش های تغییر جرم از جرم عمومی به جرم امنیتی است که قانونگذار ایرانی با تغییر تلقی از جرم به لحاظ زمان وقوع جرم، مکان وقوع جرم نحوه ارتکاب جرم را تشدید می کند و در واقع با تعریف شناور از جرائم آن را مشدد می کند. اما در حقوق آمریکا متفاوت بوده و به طور علمی و قانونمند و با استفاده از تئوری های جرم شناسانه به تناسب حدت جرم، خطرناکی و او صاف بزهکار تشدید یافته است.
چالش های قلمرو کیفری در رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح با تأکید بر هیئت های انضباطی پلیس	دکتر حسنعلی موزن زادگان و محمدرضا یزدانیان	۱۳۹۹	بر اساس یافته های پژوهش و به استناد ماده ۳۱ قانون تشکیل هیئت های انضباطی و مواد ۵۱ و ۶۷ دستورالعمل اجرائی آن، از سه جهت شروع به رسیدگی هیئت ها یعنی رسیدگی به تخلفات، رسیدگی به شکایات کارکنان در امور خدمتی و از اعمال و رفتار غیرقانونی فرماندهان و تعیین وضعیت خدمتی کارکنان، فقط در حالت اول، رسیدگی ضروری پذیرفته شده است.
تحلیل سیاستگذاری جنائی کارآمد در مواجهه با جرائم شایع در محیط های نظامی	احمد تشکری پور، دکتر یحیی قوبیو سفوند و دکتر ولی اله اسفندیار	۱۳۹۹	در محیط های نظامی علیرغم وجود سیاست های پیشگیرانه، برخی جرائم نیز از تکرار برخوردار است که از آن به عنوان جرائم شایع یاد می شود. فرار از خدمت، نزاع و درگیری، حمل، نگهداری و مصرف مواد مخدر، سرقت و خودزنی از جمله جرائم شایع محیط های نظامی است که سیاستگذاری جنائی پیرامون آنها بایستی تقویت و یا اصلاح گردد.
سیاست جنائی حاکم بر صلاحیت سازمان قضائی	محسن نوح پیشه	۱۳۹۷	در توجیه یک سری از صلاحیت های اعطاء شده به سازمان قضائی نیروهای

نیروهای مسلح (دادگاه های نظامی)		مسلح از جمله اجازه رسیدگی به جرائم امنیتی و جرائم مرتبط با وظیفه کارکنان وزارت اطلاعات از سوی ولی فقیه، مصالحی چون حفظ اسرار نظام آورده شده است، هرچند ممکن است در زمان استجازه ها، مصالح ملی و کشوری باعث اعطای چنین مجوزی شده باشد، اما جواز این امور اولاً باید تا زمان وجود ضرورت باشد، نه برای همیشه، ثانیاً باید به صورت قانونی مدون باشد.
تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی نظامی	حامد عطارنیا، دکتر رجب گدوست جویدباری و دکتر محمدعلی اردبیلی	۱۳۹۶
سیاست جنایی افتراقی جرائم نیروهای مسلح	سهراب عمریه و دکتر مهدی مومنی	۱۳۹۶
هاموریت ها و مسئولیت های خاص نیروهای مسلح موجب شده است تا از حقوق انضباطی خاصی پیروی کنند که با حقوق انضباطی و اداری دیگر بخش های اعمال حاکمیت دولت، تفاوت اساسی دارد.		

۱- سیاست کیفری و الگوی افتراقی بودن

تتبع در منطق و گفتمان ها در عرصه دانش و نهاد اجتماعی سیاست کیفری افتراقی، تداعی این است که سیاست کیفری ضمن الهام و تاثیرپذیری از جهان بینی فکری غلب در داخل مرزها، همواره نگرش فراسرزمینی داشته و تابع تحولات نظام حقوقی و اجتماعی بین المللی نیز می باشد. این مسائل جملگی بخشی از اصول ثابت و متغیر سیاست کیفری افتراقی را ترسیم می نمایند، چرا که در افقی وسیع تر، برای سیاست کیفری، الگوها و اندیشه های فکری دیگری نیز معرفی می گردد که می توان آن ها را در بطن اصول یاد شده تعریف نمود. از جمله مهم ترین این الگوها که می توان آن را مهم ترین اصل ثابت سیاست کیفری قلمداد نمود الگوی افتراقی بودن رویکردها می باشد. این الگو گویا است که بایستی متناسب با مجرمین مختلف، وضعیت های پیش جنائی گوناگون و شرایط زمانی و مکانی مختلف در راستای مبارزه و مهار پدیده جنائی، پیشگیری از آن، اصلاح مجرمین، زوایای دید متعدد و متفاوتی برای نوع نگرش و منطق کلان سیاست کیفری

افتراقی ترسیم نمود.

بنابراین می توان گفت که ادعا و پیشنهاد اصلی این الگو نامناسب و ناکارآمد بودن سیاست نگرش یکسان و عام الشمول نسبت به دسته های متعدد بزهکاران، موقعیت های پیش جنائی، شرایط زمانی، مکانی و جرایم مختلف و گوناگون است. در واقع، این الگوی حقیقت گرا بیان می دارد که مثلا نگرش سیاست کیفری افتراقی اتخاذی در قبال کودکان و زنان هرگز نمی تواند مشابه نوع نگرش آن به بزرگسالان و مردان باشد و این که مصادیق پدیده اجتماعی ارتكابی توسط ایشان کاملا یکسان و مشابه باشد.

تردیدی نیست که این پیشنهاد و ادعا ریشه در ضرورت توجه به حقیقت تفاوت ها و اختلافات زیستی، روانی و اجتماعی در بین گروه ها، جنس ها و کد شگران مختلف نظام اجتماعی دارد که مورد توجه مدرسه های فکری و اندیشه شمنان متعددی قرار گرفته اند. بر این اساس مثلا هم سو با رهیافت های تئوری بر ساختگرائی برچسب زنی، امروزه بسیاری از جرم شناسان، روانشناسان و جامعه شناسان متفق القولند که اطفال معارض قانون نظر به شخصیت تلقین پذیری که دارند در صورت نقض قواعد و هنجارهای مسلم نظام اجتماعی و از جمله هنجارهای حقوقی، می بایستی تحت نظارت و بررسی نظامی مستقل از جهان کثرت گرای عدالت کیفری واقع شوند چرا که نه دستگاه عدالت کیفری سنتی و یکپارچه که بایستی به جرائم بزرگسالان رسیدگی کند و نه نظام پاسخگوئی کلاسیک و سنتی قادر هستند، پاسخگوی مطلوب به تعارض ایشان با هنجارهای حقوقی بدهند و لذا در چنین محملی است که در اسناد بین المللی مختلف از گزاره ها و نهادهائی چون دادگاه اطفال، نظام مجازات های خاص در قبال اطفال، تفکیک نظام جنائی ناظر به صفات بزرگسالان و... سخن به میان می آید (کونانی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۵۰).

از جمله دیگر مناظر و ابعاد الگوی سیاست کیفری افتراقی می توان به ضرورت ملحوظ نظر داشتن تبعات و پیامدهای انواع مختلف جرائم از سوی متولیان و سیاستگذاران جنائی جامعه اشاره نمود که بیانگر این است که حتی ماهیت و تبعات خود جرائم، بعضا در شرایط زمانی و مکانی مختلف، مقتضی برخوردی متفاوت و منحصر به فرد با آنها است.

۲- افتراقی بودن سیاست کیفری مجازات جرائم نیروهای مسلح

از جمله قوانین خاص در نظام کیفری ایران، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است، که به معنای واقعی به صورت خاص جرائم، تخلفات و مجازات های نیروهای مسلح را تبیین نموده است. به عبارتی این قانون را باید از جمله مصادیق بارز سیاست کیفری افتراقی دانست، زیرا عناوین مجرمانه در نیروهای مسلح را در مواد قانونی خود مورد اشاره صریح قرار داده است. به عبارت دیگر این قانون به صورت اختصاصی به جرائمی که امکان ارتكاب آن توسط اعضای نیروهای مسلح امکان پذیر خواهد بود پرداخته است (تدین، ۱۳۹۴، ۱۹) و افراد غیرنظامی در حوزه شمول آن قرار ندارند. قانونگذار از همان ابتدا تلاش نموده، مخاطب قانون را مورد شناسائی قرار دهد بنابراین با استفاده از واژه (هر نظامی) به این امر دست یافته است.

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح به عنوان یک قانون خاص، به جهت خاصیت مشاغل نظامی و هزینه های سنگین در ارتكاب به جرم در مشاغل نظامی، سیاست کیفری بر مبنای سرکوب اتخاذ نموده، به

عبارت دیگر قانونگذار در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح م. صوب ۱۳۷۱ با توجه به تجربیاتی که از دادرسی نیروهای مسلح در هشت سال دفاع مقدس^۴ حاصل گردیده بود، مجازات های قانون جرائم نیروهای مسلح را با توجه به سیاست کیفری اتخاذی، به نحوی تبیین نمود که محور اصلی قانون، مجازات مجرمین نیروهای مسلح باشد. این موضوع تا بدان جا مورد توجه قانونگذار قرار گرفت که حتی برخی از اعمال و رفتارهایی که اصولاً ارتباطی با مجازات های مرسوم در قانون نیروهای مسلح ندارد در قانون موصوف، جرم انگاری گردیده بود که از جمله آن می توان به جرم فرار از خدمت متخاصمان و افراد تحت پوشش سیه در رشته های مختلف در نیروهای مسلح اشاره نمود که در ماده «۵۶»^۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای چنین جرائمی، مجازات حبس بین پنج تا ده سال در نظر گرفته شده بود در حالی که در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح م. صوب ۱۳۸۲ با توجه به این که موضوع فوق، از جمله مباحث انضباطی محسوب شده و راهکارهای آن در اخذ ضمانت و وثیقه به جهت پایبندی به تعهدات بوده و در حوزه امور منابع انسانی می باشد، به نحوی که در تبصره^۶ ماده ۹۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ و تبصره^۷ ماده ۱۰۵ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مورد توجه

۴- جنگ ایران و عراق یا جنگ هشت ساله که در ایران با نام جنگ تحمیلی و دفاع مقدس نیز شناخته می شود و در بسیاری از منابع عربی و بعضی منابع غربی از آن با عنوان جنگ اول خلیج یاد شده است که در زمان صدام حسین در عراق با نام قادی سیه صدام از آن یاد می شد، طولانی ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ برابر با بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۰ با حمله عراق به ایران آغاز شد. در این روز درگیری های پراکنده مرزی دو کشور با یورش همزمان نیروی هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور در تمام مرزها به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد، هرچند مقامات عراقی معتقد بودند که جنگ از سیزدهم شهریور ۱۳۵۹ برابر با چهارم سپتامبر ۱۹۸۰ با حملات توپخانه ای ایران به شهرهای مرزی عراق آغاز شده است. این جنگ در نهایت پس از حدود هشت سال در مرداد ۱۳۶۷ با قبول آتش بس از سوی دو طرف و پس از به جا گذاشتن یک میلیون نفر تلفات انسانی از هر دو طرف و ۱۱۹۰ میلیارد دلار خسارات به دو کشور خاتمه یافت.

۵- ماده ۵۶: متخاصمان مجرب و افرادی که از پوشش سیه نیروهای مسلح جهت طی دوره آموزشی عالی پزشکی، مهندسی و غیره استفاده نموده اند هر گاه بدون عذر موجه مرتکب بیش از شش ماه فرار از خدمت گردند علاوه بر مجازات مندرج در این قانون به پرداخت هزینه های مربوط و محرومیت از اشتغال به آن حرفه در خارج از نیروهای مسلح به مدت پنج تا ده سال محکوم خواهند شد و به هر صورت اخراج آنان از نیروهای مسلح منوط به حکم دادگاه و یا رأی کمیسیون های مربوطه پیش بینی شده در قوانین نیروهای مسلح می باشد.

۶- تبصره: هر گاه مدت فرار پرسنل کادر ثابت بالغ بر شش ماه گردد از زمان آغاز غیبت اخراج می گردند و پس از آن برابر مقررات کیفری مربوط محاکمه شده و فقط در صورت صدور رأی برائت یا قرار موقوفی تعقیب یا منع پیگرد، حکم اخراج نیز کان لم یکن خواهد شد. در صورتی که محاکمه غیابی انجام گردد پرسنل می توانند پس از حضور به حکم صادره اعتراض نموده و در صورت صدور رأی برائت یا قرار موقوفی تعقیب یا منع پیگرد در رسیدگی مجدد، حکم اخراج آنان نیز کان لم یکن می گردد.

۷- تبصره: هر گاه مدت فرار پرسنل بالغ بر شش ماه گردد از زمان آغاز غیبت اخراج شده محسوب می گردند و پس از آن برابر مقررات کیفری محاکمه شده و فقط در صورت صدور رأی برائت یا قرار موقوفی تعقیب یا منع پیگرد حکم اخراج نیز کان لم یکن خواهد شد و در صورتی که محاکمه غیابی انجام گردد پرسنل می توانند پس از حضور به حکم صادره اعتراض نموده و در صورت صدور رأی برائت یا قرار موقوفی تعقیب یا منع پیگرد در رسیدگی مجدد، حکم اخراج آنان نیز کان لم یکن می گردد.

قرار گرفته بود، لذا قانونگذار در تدوین قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ متعرض آن نگردید^۸ (شاکی و همکاران، ۱۴۰۱، ۵۲۰).

۳- سیاست کیفری افتراقی و ماهیت خاص جرائم نیروهای مسلح

با توجه به تاکید و صراحت قانون به این موضوع که هیچ فعل یا ترک فعلی که در قانون از آن نامی برده نشده است به عنوان جرم محسوب نخواهد شد، این موضوع بیانگر آن است که ارتکاب جرم نیز در واقع باید دارای ویژگی های قانونی باشد و قانونگذار آن را منع نموده باشد. بنابراین اصل و معیار در مجرمیت فرد قانون می باشد، قانونی که قانونگذار وضع می نماید از دو حال خارج نخواهد بود، یا برای عموم افراد جامعه وضع و تدوین می گردد، یا شامل حوزه محدودی از افراد جامعه می گردد. زمانی که وضع قانون برای کل جامعه باشد، تمام افراد بدون توجه به آن که دارای چه جنسیتی بوده، یا به لحاظ سنی و جایگاه اجتماعی، از چه موقعیتی برخوردارند، در حوزه شمول آن قرار می گیرند و به عبارتی این نوع قانون را می توان عام الشمول نامید و در زمانی که قانون برای افراد یا قشر خاصی بدون در نظر گرفتن برخی از ویژگی ها وضع و تدوین می گردد به عنوان قانون خاص شناخته می شود. در نیروهای مسلح برای مقابله با جرائم صورت گرفته، منبع قابل استناد قانونی، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ می باشد که برای رسیدگی به جرائم نظامیان وضع گردیده و به عنوان یک قانون خاص شناخته می شود.

به لحاظ رسیدگی به جرائم در حوزه نیروهای مسلح با توجه به اصل یک صد و هفتاد و دوم^۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح در صلاحیت محاکم نظامی می باشد. ضمن آن که رسیدگی به جرائم مرتبط با وظایف پرسنل وزارت اطلاعات که با توجه به این که در ماده یک^{۱۰} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ در بندهای هفتگانه آن، پرسنل وزارت اطلاعات را مشمول قانون مذکور محسوب نکرده بود، ولی از طرفی، در قسمت اخیر ماده یک^{۱۱} قانون دادرسی نیروهای مسلح

۸- محمودی، جواد، (۱۳۸۵)، قضاودانی و جرم زدائی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، فصلنامه آموزه های حقوقی، شماره ۸، ص ۳۸.

۹- برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شود.

۱۰- ماده ۱: دادگاه های نظامی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اشخاص زیر که در این قانون به اختصار نظامی خوانده می شوند رسیدگی می کند. ۱- کلیه پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان های وابسته. ۲- کلیه پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان های وابسته و اعضای بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ۳- کلیه پرسنل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان های وابسته. ۴- کلیه پرسنل وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن. ۵- کلیه پرسنل مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷. ۶- محصلان مراکز آموزشی نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور. ۷- کلیه کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می باشند اعم از ایرانی و غیرایرانی در مدت مزبور.

۱۱- ماده ۱: رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضاء نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران «ارتش، سپاه، ژاندارمری، شهربانی، پلیس قضائی، کمیته های انقلاب اسلامی و هر نیروی مسلح قانونی دیگر» بر طبق مواد این قانون در صلاحیت دادگاه های خاص نظامی است.

جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ قید «و هر نیروی مسلح قانونی دیگر»، را داخل در صلاحیت محاکم نظامی نموده بود. اما همچنان این ابهام برای مسئولین اجرای قانون وجود داشت که جرائم پرسنل وزارت اطلاعات در صلاحیت کدام محکمه می باشد. وزیر وقت اطلاعات^{۱۲} در تاریخ ۱۳۶۶/۰۹/۳۰ از محضر حضرت امام خمینی (ره) درخواست می کنند که به جرائم پرسنل وزارت اطلاعات در دو مورد زیر در سازمان قضائی نیروهای مسلح رسیدگی شود: جرائم مربوط به تخلف پرسنل اطلاعات از وظایف قانونی آنان؛ سایر جرائم آنان در مواردی که پرونده مربوط مشتمل بر اطلاعات طبقه بندی شده جمهوری اسلامی باشد. حضرت امام خمینی (ره) با این درخواست موافقت و ابلاغ فرمودند که: «با توجه به ضرورت حفظ اطلاعات و اسناد طبقه بندی شده جمهوری اسلامی لازم است جرائم پرسنل وزارت اطلاعات در این دو مورد در سازمان قضائی نیروهای مسلح رسیدگی شود». با کسب اجازه شماره ۱/۱۱۶۸/س مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۹، شماره ۱/۴۲۹۹/۷۳/م مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۰ و شماره ۱/۱۳۷۵۲۳/م مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ دفتر مقام معظم رهبری، جرائم پرسنل وزارت اطلاعات در صورتی که در ارتباط با وظایف خاص آنان بوده یا مشتمل بر اطلاعات طبقه بندی شده و اسرار جمهوری اسلامی می باشد داخل در صلاحیت محاکم نظامی گردید و رفع ابهام حقوقی به عمل آمد و لازم به ذکر است که در ماده «۲»^{۱۳} قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳ جرائم اسرای ایرانی و اسرای بیگانه در کشور نیز بر عهده محاکم نظامی می باشد.

مأموریت و مسئولیت های خاص نیروهای مسلح موجب شده است تا از حقوق کیفری خاصی پیروی کنند که با حقوق کیفری و اداری دیگر بخش های اعمال حاکمیت دولت، تفاوت اساسی دارد. این حقوق، تابع قوانین و مقررات کیفری مخصوصی است که از آن به حقوق جزای نظامی تعبیر می شود (تشکری پور و اسکندری، ۱۳۹۹، ۲۰). حقوق جزای نظامی شاخه ای از حقوق جزا است که موضوع آن مطالعه مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرم نظامی است (باقری و امرالهی، ۱۳۹۷، ۸۲).

از آنجائی که هدف قانونگذار از وضع قانون خاص حاکم بودن شرایط مختص بر وضعیت نظامیان می باشد و این که در برخی از جرائم، رعایت پاره ای امور طبقه بندی شده و سری مانع از حضور و رسیدگی در محاکم عمومی می گردد، لذا سیاست کیفری انتخاب شده بر این نوع محاکم، نیز در مجازات ها به مراتب شدیدتر از مجازات ها در محاکم عمومی می باشد و شاید دلیل افتراقی بودن این سیاست کیفری نیز به جهت حساسیت و ارزشی است که ضربه به شئون نظامی می تواند، به لحاظ ابعاد دیگر از جمله سیاسی، برای نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان هزینه شناخته شود. هرچند که خاص بودن ماهیت جرائم نظامی را می توان از دیدگاه ارتکاب آن صرفاً از سوی نظامیان نیز مورد مذاقه قرار داد اما واقعیت امر آن است که در بحث مجازات ها و رسیدگی به جرائم، به جهت شاخص بودن این نوع از مشاغل، به ویژه در مراتب و مناصب بالای نظامی گری، دادرسی عام برای این قشر می تواند مشکلات متعدد دیگری را نیز ایجاد نماید. اصولاً در

۱۲- محمد محمدی نیک (نام قبلی محمد درون پرور) معروف به محمد محمدی ری شهری (هفتم آبان ۱۳۲۵- یکم فروردین ۱۴۰۱) روحانی شیعه، قاضی و سیاستمدار بود.

۱۳- ماده ۲: جرائمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح، در مدت اسارت مرتکب شده اند و نیز جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت شان در کشور در سازمان قضائی نیروهای مسلح رسیدگی می شود.

جهان امروز، تمامی علوم رو به سوی تخصصی شدن پیش رفته و علم حقوق نیز از این امر مستثنی نبوده و دادرسی‌ها نیز جنبه تخصصی یافته‌اند، زیرا برخی مصادیق تخصصی در مشاغل وجود دارد که مانع از رسیدگی کامل به موضوع می‌گردند (ماده ۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)^{۱۴} (عسگری، ۱۳۹۰، ۶۱).

نکته قابل ذکر این است بحث رسیدگی و اختصاصی بودن دو مقوله جدا از هم می‌باشند. به عبارت دیگر رسیدگی تخصصی دارای مولفه‌هایی است که آن را از اختصاصی بودن دادرسی متمایز می‌کند، اما نباید از این امر غافل بود که تخصصی بودن رسیدگی در جرائم نیروهای مسلح دارای ویژگی‌هایی است که رسیدگی به جرائم در این حوزه را در صورت عدم آگاهی و تسلط بر امور نظامی با مشکل مواجه خواهد ساخت. بنابراین در خصوص یکی از دلایل افتراقی بودن سیاست کیفری در حوزه جرائم نظامی می‌توان به موضوع تخصصی بودن این نوع از جرائم و همچنین رسیدگی با ضریب خطای کمتر در آن اشاره نمود، ضمن آن‌که علاوه بر دقت موجب افزایش سرعت در رسیدگی نیز می‌گردد.

۴- فرهنگ سازی مولفه موثر بر سیاست کیفری

نمی‌توان فرهنگ سازی را از جمله عوامل موفقیت سیاست کیفری در نظر نگرفت، زیرا برای موفقیت هر پدیده‌ای در اجتماع، اگر نتوان برای آن فرهنگ سازی نمود، در واقع شانس موفقیت آن کاهش یافته است، در واقع ایجاد زمینه‌های فرهنگی موجب می‌شود تا مکانیسم‌هایی که می‌تواند در اجرای سیاست کیفری موثر واقع گردند، مورد استقبال عمومی قرار گرفته و بدین لحاظ، میزان هزینه‌های آن، از نظر مالی و انسانی، به همان نسبت کاهش یافته و موانع احتمالی از پیش روی اجرای سیاست کیفری برداشته خواهد شد. به عبارت دیگر از آنجائی که در سیاست کیفری، هدف سرکوب بزه و مقابله با جرم می‌باشد، بیان عناوین مجرمانه و تحلیل آن‌ها در جامعه و دلایل برخورد با آن‌ها از دیدگاه سیاست کیفری، به خصوص در سیاست کیفری افتراقی که مربوط به قشر خاصی از جامعه می‌باشد، می‌توان زمینه‌های پذیرش و احترام به قواعد آن را در بین مردم و علی‌الخصوص قشر خاص (مانند نظامیان) مشاهده نمود. در نتیجه افزایش آگاهی افکار عمومی، پذیرش قوانین و مقررات نیز سهل‌تر و اجرای آن ساده‌تر خواهد گردید.

اما باید دید که فرهنگ سازی چگونه می‌تواند در ایجاد سیاست کیفری افتراقی موثر واقع گردد، با نگاهی به تاریخچه استفاده از سیاست‌های جنائی و کیفری، می‌توان به این نتیجه دست یافت، که با استفاده از راهبردهای مختلف در این دو نوع از سیاست، هیچ‌گاه موفقیت حاصل نگردیده است مگر آن‌که، افکار عمومی در این حوزه مورد توجه قرار گرفته باشد، به عبارت دیگر بدون در نظر گرفتن فرهنگ سازی، نمی‌توان صرفاً به بخش سرکوبگرانه سیاست‌های جنائی و کیفری امیدوار بود، در حالی که با افزایش سطح فرهنگ جامعه، نوعی خودنظارتی بر این جریان حاکم گردیده، که موجب می‌شود تا سطح ارتکاب به جرم کاهش یافته و در واقع اذهان برای استقبال از برنامه‌ها و سیاست‌های مبارزه‌گر و پیشگیرانه در قبال این

۱۴- ماده ۲۵: به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دادرشاهای تخصصی از قبیل دادرشای جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرشای شهرستان تشکیل می‌شود.

معضلات و نیز تقویت مشارکت جامعه‌ی، ضمن صرف هزینه‌های کمتر، راندمان و کیفیت بسیار مطلوب و قابل دفاع تری در راستای حذف و یا تقلیل جرایم ایجاد نمایند (کونانی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۲۳).

۵- ارزش‌ها مولفه موثر بر سیاست کیفری

بعد از بحث فرهنگ، به یکی از عناصر مهم سازنده فرهنگ‌ها که می‌تواند در تبیین سیاست کیفری بسیار حائز اهمیت باشد، یعنی ارزش‌ها اشاره خواهیم کرد. از منظر سیاستگذاری کارآمد جنائی، ارزش‌ها با حفظ هویت مستقل و غیروابسته‌ای که نسبت به دامنه عقلانیت محض و نیز علم از آن برخوردار هستند، در جایگاهی پایین‌تر از داده‌های تجربی-عقلانی قرار دارند. به عبارت دیگر، نقطه عزیمت و انفکاک یک سیاستگذاری جنائی موثر و فعال از دیگر اشکال غیرموثر و منفعل، در نحوه تاثیر و تاثیر حوزه ارزشی نسبت به قلمرو عقلی و علمی است. از منظر برنامه‌ریزی موثر، قابلیت اثربخشی و نیز امکان اجرا و اعمال یک ارزش را دستگاه تجربی-عقلانی تعیین و ترسیم می‌کند امری که می‌توان از آن به عنوان ممیزی و سنجش ارزش‌های تولید شده تحت متدلوژی تجربی-عقلانی یاد نمود. تحت شرایط یاد شده استقلال متدلوژی تجربی-عقلانی از ارزش تضمین و اعتبار داده‌های آن نیز در جایگاهی مقدم بر نظم ارزشی و ذهنی موجود قرار خواهد گرفت. چنانچه سلسله مراتب یاد شده مورد پذیرش قرار نگیرد، تقدم نظری ارزش بر عقلانیت و علم شکل خواهد گرفت. در چنین شرایطی نظام سیاسی حاکم به منظور تضمین استمرار بقاء خود در جامعه، گریزی از مداخله در حوزه عقلانیت و علم که بالقوه می‌تواند خطری اساسی برای حاکمیت ارزش‌ها تلقی شوند نخواهند داشت (ایروانیان، ۱۳۹۲، ۱۳۰).

با این توضیح می‌توان به این نتیجه دست یافت که با توجه به ارزش‌های جامعه و استفاده از آن در تدوین و تبیین سیاست کیفری، به نقطه‌ای رهنمود گشت که در اثر آن برنامه‌ها و اهداف سیاست کیفری افتراقی به سهولت مورد قبول جامعه قرار گیرد. مصداقی از این ارزش‌ها می‌تواند در این خصوص تکمیل‌کننده این بحث به حساب آید. از جمله مولفه‌های حقوق بشری که به عنوان یک ارزش، در تمامی جوامع مورد پذیرش قرار گرفته است، موضوع کرامت انسانی است، این مولفه از چنان اعتباری بین جوامع مختلف جهانی برخوردار است که در بسیاری از قوانین اساسی و قوانین عمومی کشورها، محوریت تنظیم قوانین قرار گرفته و حتی برخی از کشورها، داعیه کرامت انسانی را نسبت به ادیان و مذاهب خود دانسته و آن را ریشه در پدیده‌های اخیر می‌دانند. با این وصف در طراحی و برنامه‌ریزی سیاست کیفری افتراقی، اگر قانونگذار به نحوی اقدام به تدوین قانون و تنظیم آن نماید که بر محور کرامت انسانی قرار داشته و افکار عمومی نیز به صراحت محور کرامت انسانی را در برنامه‌ریزی سیاست کیفری مشاهده نمایند، بالطبع پذیرش چنین برنامه‌ای از سوی جامعه، بسیار سهل و آسان خواهد بود و در این بین، ایجاد عناوین مجرمانه به لحاظ ماهوی نیز، از دیدگاه جامعه به عنوان یک ضرورت اجتماعی محسوب گردیده و اجرای مجازات‌های مربوط به جرایم مذکور نیز از دیدگاه افکار عمومی امری قابل قبول و پسندیده می‌باشد. بنابراین توجه به ارزش‌ها در تنظیم سیاست کیفری افتراقی نیز می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد.

۶- عدالت محوری مولفه موثر بر سیاست کیفری

با نگاهی به تاریخچه توجه به سیاست کیفری افتراقی، می‌توان به این نتیجه دست یافت که سیاست‌هایی

که در آن‌ها برنامه‌ها بر محور عدالت کیفری استوار گردیده بود، توانسته‌اند زودتر عملیات اجرا و پیاده‌سازی طرح‌های خود را انجام دهند. برخی از عناصر تشکیل‌دهنده عدالت که می‌توانند در تبیین سیاست کیفری افتراقی موثر واقع گردند به شرح زیر می‌باشند.

۱-۶- قانون محور بودن عدالت کیفری

از دیدگاه مولفه قانون محوری عدالت، افراد صرفاً بر مبنای قانون، قائل به تعقیب و محاکمه می‌باشند. به عبارت دیگر، در ابتدا قانون رفتاری را به عنوان جرم معرفی و سپس قانون معیار تخطی از آن رفتار را تعیین می‌نماید. بنابراین در سیاست کیفری افتراقی، عدالت کیفری زمانی می‌تواند موثر عمل نماید، که تمامی عناصر تشکیل‌دهنده جرم و مجازات در آن محقق گردیده و هیچ‌گونه ابهام و ایهامی در آن نباشد. یعنی این که قانونمندی عدالت کیفری، باید تمامی زوایای ارتکاب به جرم و کیفیت اجرای مجازات را معین نماید. بنابراین در حوزه قانونمندی، اگر رفتار یا فعلی قرار نگیرد، در واقع از آن رفتار سلب مجرمانه شده و نیازی به مجازات آن رفتار وجود ندارد در نتیجه فرد مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت، زیرا رفتار موردنظر از دیدگاه قانون در حوزه شمول رفتار مجرمانه قرار ندارد. حاکمیت این وضعیت، می‌تواند زمینه‌های امنیت اجتماعی و روانی را فراهم سازد و سیاست کیفری افتراقی به عنوان یک بازوی توانمند در اختیار نهادهای رسمی و همچنین تکیه‌گاهی محکم برای جامعه محسوب گردد و در نتیجه حقوق افراد محفوظ و چهارچوب رفتاری آنان مشخص می‌گردد. این موضوع در تاریخ به شریعت بدون سابقه نبوده و در این خصوص می‌توان به

نظرات «مونتسکیو»^{۱۵} که قانون محوری را از لوازم نظریه‌هائی همچون تفکیک قوا^{۱۶} دانسته و یا «بکاریا»^{۱۷} که در این خصوص آن را از جمله تبعات قراردادهای اجتماعی محسوب می‌نماید (بکاریا، ۱۳۳۸، ۲۱).

۲-۶- جلوه قانونمندی در جرائم نیروهای مسلح با عدم عطف بماسبق شدن

وجود عطف بماسبق موجب می‌گردد، رفتاری که در گذشته انجام شده، با توجه به قانونی که امروز وضع گردیده، تلاقی یافته و مرتکب عمل دیروز، امروز به عنوان مجرم از دیدگاه قانون شناخته شود. در این وضعیت قانونی که انسان‌ها به عنوان تامین کننده امنیت به آن می‌نگریستند، به عامل از بین بردن امنیت تغییر

۱۵- شارل-لوئی دو سکوندا، بارون دو لا برد و دو مونتسکیو (به فرانسوی: Charles-Louis de Secondat, Baron de La Brède et de Montesquieu) که بیش‌تر با نام مونتسکیو شناخته می‌شود، یکی از اندیشمندان سیاسی فرانسه در عصر روشنگری بود، که به سال ۱۶۸۹ در بوردو زاده شد. همه قبیله او از نژادگان و اشراف و در زمره حقوق‌دانان بودند. او نیز حقوق خواند و در سال ۱۷۰۸ به دادستانی پرداخت و سرآخر وکیل دادگستری شد. در سال ۱۷۱۳ پس از مرگ پدر به رایزنی حقوقی مجلس برگزیده شد. دو مونتسکیو به پژوهش‌های علمی، تاریخی و حقوقی توجه ویژه داشت و چون از وضع آن زمان کشور ناخرسند بود با نام مستعار کتابی به نام نامه‌های ایرانی منتشر کرد و چون این کتاب مورد توجه واقع شد، در سال ۱۷۲۷ میلادی به عضویت فرهنگستان فرانسه برگزیده شد. رفته‌رفته از دادستانی کنار کشید و به تدوین اثر نام‌آورش، روح القوانین پرداخت. این کتاب با اقبال عمومی روبه‌رو شد و بعدها نیز از مضامین آن در اداره کشورها و دولت‌ها بهره بسیاری گرفته شد. مونتسکیو بر این باور بود، که انقلاب و شورش و خون‌ریزی کاری از پیش نمی‌برد و آن چه یک جامعه نیاز دارد قانون است. میانه‌روی در سیاست از ویژگی‌های برجسته مونتسکیو بود. با این همه روحانیان «روح القوانین» را بی‌ارزش می‌دانستند و او در دفاع از کتابش دست به نوشتن رساله شد. مونتسکیو در سال ۱۷۵۵ پس از سفرهای بسیار به کشورهای گوناگون جهان در پاریس درگذشت.

۱۶- تفکیک قوا یا استقلال قوا (به انگلیسی: Separation of powers) (به فارسی: جدایی توان‌ها) مدلی برای روش حکومتی یک حکومت است. نظریه تفکیک قوا در بردارنده اصولی است که توضیح دهنده چگونگی توزیع یا تقسیم قدرت است. توزیع قدرت اصولاً بر مبنای کارکردهای متنوع حکومت در سه بخش تقنینی (قوه مقننه)، اجرایی (قوه مجریه) و قضایی (قوه قضائیه) صورت می‌گیرد. بر این اساس حکومت به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که هر یک دارای محدوده مجزا و مستقلی از اختیارات و مسئولیت‌ها می‌باشند به گونه‌ای که اختیارات هر بخش در تعارض اختیارات بخش‌های دیگر نباشد. هر شاخه قادر است در قدرت اعمالی توسط شاخه‌های دیگر محدودیت‌هایی اعمال نماید که این محدودیت‌ها را اصطلاحاً «نظارت و توازن یا تعادل قوا» (به انگلیسی: checks and balances) می‌گویند، تأییدین ترتیب از جمع شدن و انحصار قدرت در یک قوه جلوگیری شود. به طور خلاصه می‌توان تفکیک قوا در حکومت را «شیوه سازمان‌دهی سیاسی به منظور حفاظت از آزادی به وسیله جلوگیری از تمرکز بیش از حد قدرت» تعریف کرد (مرکز مالیری، احمد، ۱۳۹۴)، حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشته‌ها، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

۱۷- چزاره بکاریا (ایتالیایی: Cesare Beccaria؛ پانزدهم مارس ۱۷۳۸- بیستم نوامبر ۱۷۹۴) نظریه‌پرداز حقوق، فیلسوف، سیاستمدار و وکیل اهل ایتالیا بود. نظریات بکاریا بیشتر حول محور کیفر شناسی و واکنش جامعه در قبال بزه بود؛ وی از جمله نظریه‌پردازانی بود که توجهات را به تأثیر قطعیت مجازات‌ها در بازدارندگی افراد جامعه از ارتکاب جرم جلب کرد. مطابق تفکرات بکاریا بازدارنی از بزه معلول سه عنصر است: شدت، قطعیت و سرعت اعمال کیفر (میزبانی مقدم، مرتضی، ۱۳۸۹)، ارزیابی تأثیر شدت و قطعیت کیفرها در پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۶، ص ۲۴. رساله «جرائم و مجازات‌ها» اثر مطرح بکاریا است که در سال ۱۷۶۶ میلادی در فرانسه انتشار یافت و تأثیر بسیار زیادی در تکوین تاریخ تحولات حقوق و کیفر شناسی برجای گذاشت. از دیگر آثار او می‌توان کتاب (ارکان اقتصاد عمومی) را نام برد. چزاره بکاریا از مخالفین اعدام در جرائم عمومی و در عین حال موافق اعدام در جرائم سیاسی بود (نعمتی، لیلا، ۱۳۹۰)، بکاریا و اصل سودمندی کیفر/سزار بکاریا؛ حقوقدان مخالف عفو مجرمین، روزنامه رسالت، شماره ۷۴۳۵، ص ۱۸).

جهت داده، به گونه ای که، خود قانون به عنوان عامل ت ضعیف کننده امنیت محسوب می گردد. بنابراین عدالت کیفری اقتضاء می نماید تا افراد به جهت عدم وجود منع قانونی در بروز یک رفتار، مورد سوال واقع نگردیده و انگشت اتهام به سوی آن‌ها نشانه نرود (محسنی، ۱۳۷۵، ۱۷۷). در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نیز قانونگذار در بررسی ماهیت جرائم و همچنین تعیین مجازات برای آن‌ها، از عطف به سابق شدن قوانین سخنی به میان نیاورده است و بیان قوانین به گونه ای است که بیانگر عدم اجرای فعل یا ترک فعل از سوی کارکنان نیروهای مسلح بوده و در صورت انجام آن، مورد مجازات قرار خواهند گرفت.

۷- سیاست کیفری افتراقی و اصل سرعت در رسیدگی جرائم نیروهای مسلح

برخی ویژگی‌های نیروهای مسلح، موجب می شود تا عوامل مربوط به آن نیز از آن ویژگی پیروی نمایند از جمله این ویژگی‌ها که اصولاً یگان‌های نظامی به آن اتکای خاصی دارند اصل سرعت است، اصولاً استفاده از زمان مناسب در اجرای مأموریت‌ها اعم از این که زمان در نظر یگان عملیاتی محسوب گردد یا پرسنل عملیاتی، از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین اصل سرعت و استفاده بهینه از زمان، از خصیصه‌های یگان‌های نظامی می‌باشد. همین امر موجب شده، تا در رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح، سرعت در رسیدگی مورد توجه قرار گیرد، زیرا در صورت وقوع جرم، رسیدگی فوری به جرائم می‌تواند تبعات مثبتی را به همراه داشته باشد، هرچند که منظور از سرعت در رسیدگی، از بین بردن دقت نخواهد بود و دقت همواره در اولویت است.

تبعات رسیدگی سریع به جرائم در نیروهای مسلح به این شرح می‌باشد: رسیدگی سریع موجب می‌شود تا مجرم اصلی شناسائی و به مجازات محکوم گردد و از این جهت درس عبرتی برای سایر افرادی باشد که احتمال ارتکاب به جرائم در سایر حوزه‌ها را دارند. سرعت در رسیدگی موجب می‌شود تا در صورت شناسائی مجرم اصلی، یگان از وجود مجرم اصلی محافظت گردد تا موجبات آسیب بیشتر به یگان ایجاد نشود. سرعت در رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح موجب می‌شود تا از اثر تنبیهی مجازات کاسته نشود و پرننگ‌تر به نظر برسد. زیرا محور سیاست کیفری افتراقی بر سرکوب جرم می‌باشد، لذا در سیاست کیفری افتراقی قانونگذار با انحراف و علل و عوامل وقوع بزه کاری‌نداشته و صرفاً به مجازات مرتکب خواهد پرداخت (اسکندری، ۱۳۸۱، ۵۲).

با این وصف سیاست کیفری افتراقی موجب می‌شود تا از رسیدگی به جرائم در محاکم عمومی به جهت تراکم جمعیت کیفری و مراجعین جلوگیری شده و رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح در سریع‌ترین زمان ممکن انجام گردد.

۸- سیاست کیفری افتراقی و احاطه به دانش نظامی در رسیدگی جرائم نیروهای مسلح

تخصصی شدن امور در جامعه، موجب شده تا نظام قضائی نیز به سوی تخصصی شدن سوق یابد، علوم نظامی نیز با توجه به پی‌شرفت‌های حاصله از تکنولوژی، از حوزه وسیع‌تری برخوردار گردیده و این امر موجب شده تا مصادیق مجرمانه در این حوزه علاوه بر تخصصی شدن گسترده‌تر نیز گردند. بنابراین ارتکاب به جرائم نیز ویژگی‌های علوم نظامی را با خود به همراه دارد، زیرا جرائم نیروهای مسلح صرفاً به لغو دستور، یا ترک پست نگهداری محدود نمی‌گردد، بنابراین احاطه به علوم نظامی، انتظامی و امنیتی در رسیدگی به

جرائم در این حوزه بسیار مؤثر است. هرچند که امروزه وجود کارشناسان، در کنار قضات جهت اعلام نظر کارشناسی در رشته های مختلف توانسته خلاءهای موجود در تخصص های قضات را تکمیل نماید اما به نظر می رسد وجود کارشناسان زبده و حقوقدانان نظامی در کنار قضات، می تواند در ارائه نظرات کارشناسی در جهت نزدیک نمودن نظر قضات به نوع مجازات انتخابی و فرآیند دادرسی بسیار حائز اهمیت باشد. مصداق بارز این موضوع را می توان در مواد «۴»^{۱۸}، «۸»^{۱۹} و «۹»^{۲۰} قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ دانست که البته برابر ماده «۶۹۸»^{۲۱} قانون آئین دادرسی جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۲ از مستثنیات نسخ می باشند، به صراحت به موضوع اولویت استفاده از تصدی سمت های قضائی در دادگاه های نظامی با حقوقدانان نظامی اشاره نموده است.

بنابراین حضور مشاوران نظامی در محاکم درجه یک و همچنین تصدی مناصب قضائی به وسیله حقوقدانان نظامی می تواند این اهداف را تبیین نماید: الف- ماهیت جرائم نظامی به گونه ای است، که صرفاً افراد نظامی که سال ها تحت آموزش بوده و در محیط های نظامی مشغول به کار بوده اند، می توانند در خصوص ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم نسبت به آن نظر داده و آن را با مصادیق مجرمانه قیاس نمایند. ب- وجود حقوقدانان نظامی در منصب بازپرس یا دادستان در دادرسی های نظامی، می تواند دقت در رسیدگی به اتهامات سابقی به پرسنل نظامی را دقیق تر مورد بررسی قرار دهند. ج- از آنجائی که یکی از منابع حقوق نظامی را باید عرف نظامی دانست، آگاهی به عرف نظامی در خصوص برخی از آداب نظامی، بسیار حائز اهمیت است (زراعت، ۱۳۸۴، ۶۳).

نتیجه

الف- سیاست کیفری، بنیان کلیدی تنظیم قوانین کشور می باشد. ضرورت اصلاح در سیاست ها بیش از آن که در سیاست های اقتصادی یا خارجی دولت باشد، در سیاست کیفری حکومت است زیرا فلسفه حاکم بر این سیاست ها به نوعی در سیاست های دیگر نیز انعکاس می یابد. هر حکومتی و جامعه ای لزوماً باید دارای

۱۸- ماده ۴: دادگاه نظامی یک مرکب است از یک رئیس یا دادرس علی البدل و یک مشاور که حق رأی با رئیس دادرس علی البدل دادگاه است. تبصره- در دادگاه نظامی یک، رئیس یا دادرس علی البدل اعم از این که نظامی باشد یا غیرنظامی مشاور از میان حقوقدانان نظامی تعیین می گردد و مکلف است قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده و نظرات خود را مستنداً به صورت کتبی اعلام نماید.

۱۹- ماده ۸: در کنار هر دادگاه نظامی، یک دادرس مرکب از یک دادستان و به تعداد کافی بازپرس و دادیار و کارمند دفتری زیر نظر دادستان کل کشور وجود خواهد داشت. اولویت در تصدی سمت های قضائی در دادگاه های نظامی با حقوقدانان نظامی است.

۲۰- ماده ۹: نیروهای نظامی و انتظامی بنا به پیشنهاد رئیس سازمان قضائی مکلف به انتقال حقوقدانان نظامی و پرسنل مورد لزوم به این سازمان هستند.

۲۱- ماده ۶۹۸: از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنائی مصوب ۱۳۳۹/۰۳/۰۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۲/۲۲ به جز مواد (۴)، (۸) و (۹) آن قانون، قانون تشکیل دادگاه های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۰۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آرای دادگاه ها مصوب ۱۳۷۲/۰۵/۱۶، مواد (۷۵۶) الی (۷۷۹) الحاقی مورخ ۱۳۸۸/۰۳/۰۵ به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) و ماده (۵۶۹) قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن ها ملغی است.

سیاست جنائی تعریف شده و کارآمدی با شد. برای این که یک سیاست کیفری همزمان کارآمد، عادلانه و انسانی باشد لازم است در پیش بینی و اجرای ضمانت اجرای کیفری متناسب با تنوع جرایم، گوناگونی مجرمان و تفاوت شرایط ارتکاب بزه از انواع و مقادیر مختلف مجازات ها بهره جوید و همواره هدف اصلی سیاست کیفری برتر را که برقراری عدالت در حد مطلوب و اصلاح و بازگرداندن مجرمان به جامعه می باشد را مدنظر قرار دهد.

ب- در تدوین قوانین مربوط به جرائم نیروهای مسلح، به نظر می رسد همان تفکراتی که در بسط و تدوین قانون مجازات اسلامی حاکم است، بر قانونگذاری در این حوزه نیز حاکم بوده است و گرنه با توجه به این که امور نظامی از یک مجموعه دستورالعمل های مشخص و کاملاً محرز که تمامی ابعاد آن اعم از زمان صلح و جنگ مشخص می باشد تشکیل گردیده است، لزوم تغییر قانونگذاری در قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ تا قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ و سپس قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ خود بیانگر نوعی بی نظمی در قانونگذاری برای این حوزه می باشد. در صورتی که اگر قانونگذار در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ به دقت و حوصله نسبت به تدوین قوانین و ابعاد مختلف آن مطالعات عمیق می نمود، لزومی به صرف هزینه و وقت برای تدوین مجدد آن در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ضروری به نظر نمی رسید.

پ- واکاوی سیاست کیفری افتراقی ماهوی در قبال جرائم نیروهای مسلح تأثیر انکارناپذیری در جلوگیری از وقوع این دسته از جرائم دارد و نمی توان از اتخاذ سیاست کیفری افتراقی و کارا در خصوص پاره ای از جرائم از جمله جرائم نظامی که دارای ماهیتی حساس می باشد و کوچک ترین تسامح در مقابل آن منجر به به هم خوردن نظم و امنیت جامعه می شود تغافل کرد.

ت- ضرورت انجام بازنگری در پاسخ های کیفری به طور اعم هم مربوط به خود سیاست های اتخاذی است و هم مربوط به نحوه اجرای آن. همچنین، سیاست کیفری افتراقی نظامی ایران از آسیب های نظری و عملی فراوانی رنج می برد. در حوزه نظری فاقد یک نظریه بومی در حقوق و عدالت کیفری نظامی است و در حوزه عملی نیز به رغم تلاش قانونگذار نارسائی های قانونی زیادی بر جای مانده است. در عرصه قضائی نیز آسیب هایی مشاهده می شود، به ویژه این که الگوها و معیارهای جامع و منسجمی برای تعیین کیفر وجود ندارد و رهنمودهای تعیین کیفر نیز برای راهنمایی دادرسان صادر نشده است.

ث- عدم توجه و دقت کافی به اهمیت تخصص ها در نیروهای مسلح، با توجه به رویکرد سرکوبگرانه سیاست کیفری، موجب می شود تا در اجرای بسیاری از مجازات ها، نیروهای مسلح با از دست دادن منابع انسانی خود، دشمنان را به اهداف خود برسانند.

پیشنهادهای

الف- نظر به این که در تدوین و تصویب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ حتی قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ و قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴، تفکرات قانون مجازات اسلامی حاکم بوده است و تقریباً بسیاری از مجازات های درج شده در قوانین مذکور مشابه قانون مجازات اسلامی می باشند، پیشنهاد می گردد در بازبینی قانون مجازات جرائم

نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، تفکرات حاکم بر قانون مجازات اسلامی حذف شود یا حداقل کاهش یابد و یک سیاست کیفری افتراقی خاص بر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران حاکم گردد.

ب- در بحث جرائم ذکر شده در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ که نسخه ای پیشرفته تر از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ و قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ می باشد، صرفاً به بحث مجازات پرداخته شده است، بدون توجه به این نکته که با انجام برخی مجازات ها، افراد مطمئناً از بلنه نیروهای مسلح منفک می گردند و این عمل در واقع همان هدفی است که دشمنان در نظر دارند که موجب ضعیف تر شدن بدنه نیروهای مسلح می گردد. لذا تبدیل بسیاری از جرائم و مجازات ها به تنبیهات در حوزه اداری بسیار می تواند حائز اهمیت باشد، همان گونه که قانون نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا صرفاً نسبت به جرائم قتل، تجاوز، سرقت و جاسوسی، تدابیر خاصی اتخاذ نموده است.

پ- اگر قرار بر این بود که قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، با مفاهیم و معانی قانون مجازات اسلامی سنجیده شود، دیگر نیازمند یک سیاست کیفری افتراقی برای آن احساس نمی گردید، بنابراین به نظر می رسد عدم توجه قانونگذار به ارائه تعاریف تخصصی در این خصوص، موجب شده تا دیدگاه های حاکم بر قانون مجازات اسلامی بر قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز حاکم گردد، که این امر با سیاست کیفری افتراقی منافات دارد.

کتاب نامه

- ابوالحسنی، امیرحسین، (۱۳۹۹)، «کیفیات مشدده عام و خاص در حوزه جرائم نیروهای مسلح در سیاست کیفری ایران»، *ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران*، شماره ۹، صص ۲۳۵۱-۲۳۳۷.
- ازغندی، سیدعلیرضا، (۱۳۹۲)، *ارتش و سیاست*، چاپ نهم، تهران، انتشارات قومس.
- اسکندری، محمدرضا، (۱۳۸۱)، «سیر تحول صلاحیت دادگاه های نظامی از سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۷۳ در ایران»، *ماهنامه دادرسی*، شماره ۳۱، صص ۵۹-۶۶.
- ایروانیان، امیر، (۱۳۹۲)، *نظریه عمومی سیاستگذاری سیاست جنائی*، چاپ اول، تهران، انتشارات شهردانش.
- باقری، مسلم و امرالهی مژگان، (۱۳۹۷)، «بررسی جرائم نظامی در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، *فصلنامه مطالعات حقوقی انتظامی*، شماره ۷، صص ۸۱-۱۰۴.
- بکاریا، سزار، (۱۳۶۸)، *جرائم و مجازات ها*، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، تهران، انتشارات دانا شگاه شهید بهشتی.
- تدین، عباس، (۱۳۹۴)، *قانون آئین دادرسی کیفری نیروهای مسلح ایران و فرانسه*، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- تشکری پور، احمد؛ یوسفوند، یعقوب؛ اسفندیار، ولی اله، (۱۳۹۹)، «تحلیل سیاستگذاری جنائی کارآمد در مواجهه با جرائم شایع در محیط های نظامی»، *فصلنامه مدیریت نظامی*، شماره ۴، صص ۸۷-۶۵.

- تشکری پور، احمد و اسکندری، علیرضا، (۱۳۹۹)، *اصول و مبانی پیشگیری از جرم*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
- خاکی، غلامرضا، (۱۳۹۱)، *روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی*، تهران، انتشارات کوهسار.
- زراعت، عباس، (۱۳۸۴)، «تفکیک جرم نظامی و عادی و اثر آن بر صلاحیت های مرجع قضائی»، *ماهنامه دادرسی*، شماره ۵۱، صص ۱۸-۲۳.
- شاکری، یا سر؛ صالحی، علیرضا؛ رضایی، غلامحسین، (۱۴۰۰)، «سیاست کیفری ایران در قبال جرائم نظامی»، *فصلنامه پژوهش های جرم شناختی پلیس*، صص ۹۳-۱۱۴.
- شاکری، یاسر؛ صالحی، علیرضا؛ رضایی، غلامحسین، (۱۴۰۱)، «جلوه های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدایی و جرم زدایی»، *فصلنامه تمدن حقوقی*، شماره ۱۰، صص ۵۲۱-۵۰۷.
- عسگری، غلامحسین، (۱۳۹۰)، *دادرسی های اختصاصی کیفری*، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- عطارنیا، حامد؛ گدو، ست جویباری، رجب؛ اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۶)، «تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی نظامی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل*، شماره ۳۷، صص ۲۴۰-۲۰۵.
- عمریه، سهراب و مومنی، مهدی، (۱۳۹۶)، *سیاست جنائی افتراقی جرائم نیروهای مسلح*، چاپ اول، تهران، انتشارات صالحیان.
- کونانی، سلمان؛ مندی، اسلام؛ گلدوزیان، ایرج؛ انصاری، جمال، (۱۳۹۱)، *سیاست جنائی: از گفتمان تا برساخت هائی ریزومیک شده و ناروا*، تهران، انتشارات مجد.
- محسنی، مرتضی، (۱۳۷۵)، *نهیضت دفاع اجتماعی*، تهران، انتشارات معاونت آموزش دادگستری استان تهران.
- مرکز مالمری، احمد، (۱۳۹۴)، *حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت ها*، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- موذن زادگان، حسنعلی و یزدانیان، محمدرضا، (۱۳۹۹)، «چالش های قلمرو کیفری در رسیدگی به تخلفات کارکنان نیروهای مسلح با تأکید بر هیئت های انضباطی پلیس»، *فصلنامه پژوهش های دانش انتظامی*، شماره ۱، صص ۱۱۲-۶۷.
- نعمتی، لیلان، (۱۳۹۰)، «بکاریا و اصل سودمندی کیفر/سزار بکاریا؛ حقوقدان مخالف عفو مجرمین»، *روزنامه رسالت*، شماره ۷۴۳۵.
- نوح پیشه، محسن، (۱۳۹۷)، *سیاست جنائی حاکم بر صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح* (دادگاه های نظامی)، *پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.
- قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴

- قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶

- قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰

- قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳

- قانون مجازات جرائم نیروهای مسح مصوب ۱۳۸۲

- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

- قانون آئین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۲